



گفت‌وگو با سمیرا اسعدی که این روزها
با روشن نگه‌داشتن چراغ خیریه
ادامه‌دهنده راه مادرش است

دست‌هایی که بوی خیر می‌دهند

هرکدام از خیریه‌هایی که برای گرگشایی از کار مردم راه‌اندازی می‌شود، برای خود قصه و داستانی دارد. گاهی مسجدها دور هم جمع می‌شوند و خیریه‌ای راه می‌اندازند. گاهی اهالی محله و گاهی هم اعضای یک خانواده دست در دست هم می‌گذارند تا باری از روی دوش مردم نیازمند بردارند، مانند خیریه‌ای که حاجیه خانم بیابانی در سال ۶۰ راه‌اندازی می‌کند. خیریه در سال ۷۰ با کسب مجوزهای لازم به طور رسمی کار خود را شروع می‌کند و خانواده‌های نیازمند بسیاری از نقاط مختلف شهر تحت حمایت این خیریه قرار می‌گیرند. اکنون این مجموعه به زنان سرپرست خانوار و کودکان خدمات ویژه‌ای ارائه می‌دهد.



لیلا جان قربان



شهربانو

۲۳ شهریور
۱۴۰۱
شماره ۲۴۵۰

(۴)

✚ خیریه‌ای که سال ۶۰ کلید خورد

ماجرای اینجاست شروع می‌شود. حاجیه خانم بیابانی از سال ۶۰ ساکن محله امام خمینی بوده است. او از همان سال، با کمک بانوان محله، کارش را شروع می‌کند. بدون هیچ نام و نشانی، برای نوکروسان جهیزیه جمع می‌کند، نان به سفره نیازمندان می‌رساند و لباس گرم تن بچه‌های یتیم می‌کند. ۱۰ سال در همان منطقه پانزده خرداد فعالیت می‌کند تا اینکه حدود سال ۷۰ خانه و زندگی‌اش را به بولوار وکیل آباد می‌برد. با جابه‌جایی خانه، به فکر خرید زمینی برای تأسیس خیریه می‌افتد. سال ۷۰ خیریه‌ای به نام سجادیه توس راه می‌اندازد، خیریه‌ای که این روزها ساکنان آن را به دست دخترش سمیرا اسعدی سپرده است. «مادر من هنوز هم کارهای خیریه را انجام می‌دهد ولی چون به قولی پا به سن گذاشته و خیلی نمی‌تواند دنبال کارهای اداری باشد، مسئولیت خیریه را به من سپرده است. مادر من برای ما برنامه داشت. از همان اول، من و خواهرم و برادرهایم را طوری تربیت کرد که ادامه‌دهنده این راه باشیم. در اصل، در همین خیریه و در کنار کارهای خیر مادر من بزرگ شده و به اندازه توان در کارها شریک بوده‌ایم. خاطرم هست که از همان دوران دبیرستان کارها را به من می‌سپرد تا یاد بگیرم و راه بیفتم. البته این یاد گرفتن و راه افتادن در کار خیر روی زندگی ما آثار فراوانی داشته است و خیر و برکت بسیاری از آن دیده‌ایم. برکت بهترین عنایتی است که با دعای خیر مردم به ما رسیده است.»

✚ از جهیزیه دادن تا بسته غذایی و نوشت‌افزار

بعد از چند سال فعالیت در خیابان امام رضا، این بانوی نیکوکار به کمک همسرش زمینی را در محدوده اقبال لاهوری خریداری می‌کند و بنای خیریه‌ای را که به نام حضرت سجاد^(ع) است در آنجا می‌گذارد. «مادر من با کمک پدرم زمین را می‌خرد و بنا بر عنایتی که حضرت سجاد^(ع) به زندگی ما داشت، نام این خیریه را سجادیه گذاشتند. چون زمان ثبت و دریافت مجوزها مشخص شد خیریه دیگری به این نام هست، کلمه «توس» را به انتهای آن اضافه کردند. عنایت حضرت سجاد^(ع) به کارهای ما آن قدر زیاد است که بیشتر مراسم به‌ویژه اهدای جهیزیه‌ها در ولادت این امام بزرگوار انجام می‌شود. مادر من زمانی که زمین اینجاست را خرید در این محدوده چندان ساخت‌وسازی نشده بود و بیشتر بیابان بود. همان سال ۷۰ یک طبقه از بنا را با آشپزخانه می‌سازند و شروع به کار می‌کنند. خدماتی هم که ارائه می‌دهند همه حوره بوده است، از جهیزیه دادن تا بسته غذایی و نوشت‌افزار و این جور موارد. ساخت آشپزخانه در اولین قدم هم به این دلیل بوده است که همه غذاهایی که به نیت نیکوکاران تهیه می‌شود همین‌جا پخته و آماده شود. الان هم این آشپزخانه پابرجاست و برای مجالس مختلف مثل روضه‌ها و حتی عروسی‌های خیریه، خودمان غذا تهیه می‌کنیم.»

✚ حمایت از ۵۰ خانواده

«تعداد خانواده‌ها در دوره‌های مختلف متفاوت است. مثلاً سال‌هایی بوده است که حدود هزار خانواده را تحت حمایت داشته‌ایم ولی الان حدود ۵۰۰ خانواده به‌طور مستقیم تحت حمایت خیریه هستند و در مناطق مختلف مشهد زندگی می‌کنند. شرایط اقتصادی روی کمک‌های خیران هم تأثیر می‌گذارد و کمک‌ها کم و زیاد می‌شود. البته شکر خدا در هر شرایطی توانسته‌ایم در خدمت خانواده‌ها باشیم و هیچ‌وقت نمانده‌ایم. کارهایی که برای خانواده‌های تحت پوشش خیریه انجام می‌دهیم این است که در ایام مختلف، بسته‌های معیشتی و فرهنگی برای آن‌ها می‌بریم. در کنار این موضوع، عید نوروز، اول ماه مهر و ماه مبارک رمضان بسته‌هایی ویژه به خانواده‌ها می‌دهیم. این کمک‌ها شامل خانواده‌هایی می‌شود که به هر دلیلی نمی‌توانند مخارج زندگی خود را تأمین کنند، امکان این را دارند که کاری انجام دهند و در فهرست همیشگی ما هستند. در کنار این مددجویان، افرادی را هم داریم که باوامی مشکل آن‌ها حل می‌شود یا اگر برای آن‌ها وسیله تأمین شود، می‌توانند کار کنند. از این افراد هم حمایت می‌کنیم و برای آن‌ها زمینه اشتغال ایجاد می‌کنیم. مثلاً همین چند وقت پیش، برای بنده خدایی موتور خریدیم و با کار در پیک موتوری، هم مشکل خودش حل شد هم توانست اقساطی هزینه موتور را بپردازد. خانمی با خرید یک چرخ خیاطی، کارش راه افتاد و توانست خرج خودش را در بیاورد. هر طور بتوانیم، سعی می‌کنیم گرّه باز کنیم و این گرگشایی از ما نیست بلکه از لطفی است که خداوند و نیکوکاران به ما دارند.»

✚ آموزش همراه با کار

کمک به کارآفرینی و به خرید وسیله محله خیریه در چند طبقه اشتغال ایجاد می‌شود تحصیلی مراجعه کنند مراجعہ کنندگان فراهم توانمند کردن افراد بر یک مادر دلسوز در رز خانواده‌ای که متأسفانه بنای خیریه به کمک کلاس‌های مختلف آن کرنا، این کلاس‌ها هم برای آموزش حرفه کلاس‌های آموزشی می‌شود. در همین ط راه انداختیم. از ساخت یکی از طبقه‌ها کارگر بچگانه داریم. همه خانواده‌ها و خرج خان ضروری ندارند سفار از طبقات خیریه مهد دلیل کرنا آن را تعطیل برای مدارس و لباس